

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۲۳

حنیف رهیاب رحیمی

اولین و معروف ترین خط آهن استرالیا The Ghan



هرگاه سفری در شهر ادلید استرالیا جنوبی بنمائیم، می بینیم که نام افغانستان با نام یکی از معروف ترین خط آهن جهان گره خورده که شمال استرالیا را با جنوب وصل کرده است. تریبی که روی این خط آهن حرکت می کند به نام **The Ghan** ده گان (غان) یعنی مخفف «افغان» مسمی گردیده و به شکل یک هتل مجال و سیار روی «خط آهن بزرگ جنوب» در حال حرکت می باشد. این ریل بسیار لکس از لحاظ قیمت ارزان نبوده بلکه کرایه آن برای مسافری خیلی بلند هم است که در فصل های مختلف سال نظر به درجه و کلاس کابین متفاوت می باشد. کرایه ادلید الی داروین برای یک فرد، در یک کابین متوسط بین ۱۵۲۹ دالر و ۲۷۲۹ دالر تخمین زده می شود که یکروز و ۲ شب و یا ۲ روز و ۳ شب سفر را در بر می گیرد.

تاریخچه قطار "غان" از سال ۱۸۴۰ شروع می شود یعنی زمانی که یک محقق بریتانیایی متولد بنگال بنام چارلز استورت، راهی بیابان های مرکزی استرالیا شد تا این بخش شناخته نشده استرالیا را کشف کند. سی سال بعد یک محقق دیگر به نام جان مک دووال استوارت باشنده اسکاتلند هم برای کشف قسمت های ناشناخته مرکز استرالیا راهی این سرزمین ها شد. مشکل هر دوی این محققین، شیوه حمل و نقل خدمه و بار در جریان سفرهای اکتشافی شان بود. وزن زیاد بار ها و کمبود آب باعث می شد که اسب های شان در جریان سفر از پای بیفتند. و اینجا بود که فکر تهیه شتر و جایگزینی آن با اسب به میان آمد و برای این منظور اقدام به وارد نمودن شترها و شتربان هایی از افغانستان و مناطق اطراف کوه های هندوکش نمودند.

یکی از همین محققین به نام ویلیام جروویس که در اردوی بریتانیا انجنیر بود در سال ۱۸۷۸ اولین قدم برای ساخت خط آهن در مرکز استرالیا را، با استفاده از تجربه شتربان های افغان برداشت. اولین بخش خط آهن در سال ۱۸۸۱ ساخته شد. طرح جروویس این بود که خط آهن بتواند ادلید را به داروین وصل کند. اما در سال ۱۸۸۳ پادشاهی بریتانیا او را بعنوان قومندان تمام نیوزیلند انتخاب کرد و در نتیجه موصوف تا زمانی که زنده بود، نتوانست اجرائی شدن طرح پیشنهادی اش را ببیند.

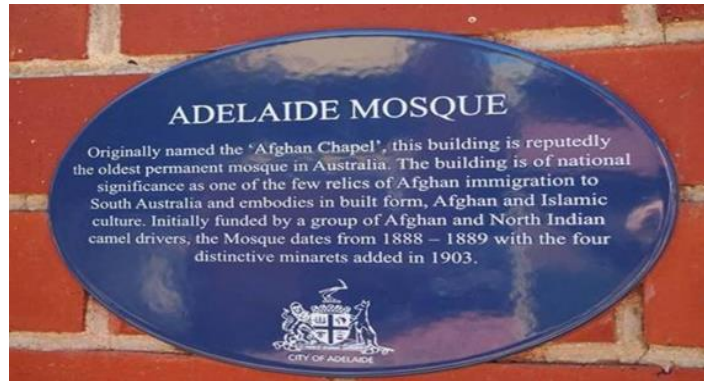
وارد نمودن بیشتر افغان ها با شترهای شان و متعاقباً کار بالای احداث خط ریل ادامه پیدا کرد. در سال ۱۸۹۱ که اولین ترین از ایستگاه «کورن» به ایستگاه «اودناتا» رسید ۱۵۰ شتربان افغان در این طرح مشغول به کار بودند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نام ترین که این مسافت را طی کرد برای تجلیل از خدمات شتربانان افغان، "افغان اکسپرس" انتخاب شد. اما این نام دو بار دیگر نیز تغییر کرد، یک بار به "غان اکسپرس" و بلاخره به نام امروزی اش «گان» یعنی "غان".



شتربانان افغان در شهر کوچک ماری (Marree) در ۷۰۰ کیلومتری ادلید زندگی می کردند. اقامت طولانی مدت آنها و تشکیل خانواده باعث شد تا رفته رفته نمادهایی از زندگی مسلمانان افغان در این شهر شکل بگیرد. یکی از یادگارهای این سمبول ها عبادتگاه کوچکی بعنوان مسجد در شهر ماری است. در سال ۱۸۸۹ نیز اولین مسجد در ادلید ساخته شد که تا هنوز پابرجاست.

در آغاز قرن بیست منطقه کوچک ماری به دو حصه تقسیم شد. در یک طرف آن مردمان دارای نژاد اروپایی، و در طرف دیگر آن افغانها و مردمان بومی آن سرزمین که بنام ابوریجینی ها «Aborigines» یاد می شوند، زندگی دارند.



یک عده از شتربانان افغان پس از احداث خط آهن به زادگاه خود بازگشتند اما گروهی از آنها در استرالیا باقی ماندند که جمعیت کوچکی از بازماندگان شان اکنون در ماری و بعضی مناطق دیگر زندگی می کنند. میراث این افغانهای شتر سوار را می تواند در جریان معروف ترین مسابقه شترسواری استرالیا در همین شهر دید. وقتی به تماشای مسابقه شترسواری می روید بوی غذا های افغانی که در کنار مسیر مسابقه پخته می شود به مشام تان می رسد و در همانجاست که با نام های خانوادگی نظیر "بی جا درویش"، "دوست محمد"، "شمروز خان" و "ظریف خان" هم آشنا می شوید.

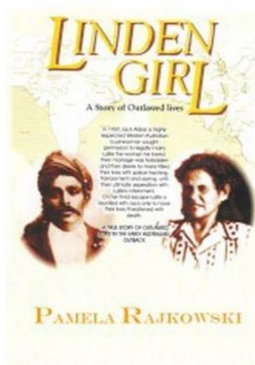
درویش بی جا یا آنطور که در منابع استرالیایی آمده "بی جا درویش" یکی از معروف ترین شتربانان افغان بود که در سال ۱۹۵۷ در شهر پورت آگوستا در نزدیکی ماری درگذشت. داگلاس استیوارت شاعر بلند آوازه استرالیایی شعری به نام "افغان" دارد که در آن «بی جا درویش» را توصیف می کند.



یکی از داستان‌های عاشقانه و حزن انگیز در استرالیا نیز مربوط به همین افغانهای شتریان است. یکی از آن‌ها به نام اکبر، با پسرش به استرالیا آمده بود. وقتی پدر درگذشت پسر که اکنون به نام "جک اکبر" شناخته می‌شد ابتدا بعنوان شتریان و بعد بعنوان پوسته رسان در دستگاه دولت استخدام گردید. جک در جریان یکی از سفرهایش در استرالیای غربی با دختر جوانی از بومیان استرالیا به نام "لالی متبار" آشنا می‌شود. آنها عاشق یکدیگر می‌شوند و تصمیم می‌گیرند ازدواج کنند.



قانون سال ۱۹۰۵ درباره بومیان استرالیا اجازه ازدواج آن‌ها با افراد غیربومی را نمی‌دهد. با اینحال جک و لالی مجبور می‌شوند به شهر ادلید در استرالیای جنوبی فرار کنند. ازدواج شان را در دفاتر دولتی ثبت می‌کنند و در یک خانه ساکن می‌شوند. اما ازدواج آن‌ها همچنان غیرقانونی محسوب می‌شد، بلاخره پس از چندی پولیس، زن و شوهر جوان را دستگیر و به استرالیای غربی فرستاد تا جدا از هم زندگی کنند. شکایت‌های متعدد جک در طول چندین سال به جایی نرسید تا این که بلاخره محکمه عالی استرالیای غربی آن‌ها را به زندگی در خارج از ایالت تبعید کرد. جک و لالی به ادلید بازگشتند، در این شهر خانواده‌شان را تشکیل دادند و صاحب دو پسر و دو دختر شدند. دوسیه لالی بعنوان سرکشی از قانون دولت بعد از ازدواج آن‌ها نه، بلکه بلاخره در سال ۱۹۷۰ بسته شد. شتریان‌های افغان و شترهای شان نه تنها در ساخت خط آهن جنوب به شمال بلکه در احداث خطوط تلگراف مرکزی استرالیا نیز مشارکت داشتند. بعد از پایان ساخت خط آهن، افغان‌ها در از بین بردن شترهای شان از جانب دولت مکلف ساخته شدند اما آنها برای گریز ازین امر، شترهای شان را در طبیعت رها کردند تا از دستور دولت برای امحاء آن‌ها بگریزند. اکنون بزرگ‌ترین جمعیت شترهای جهان که بیش از یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود در سرزمین‌های مرکزی استرالیا زندگی می‌کند.



آنچه افغانهای باقیمانده در استرالیا، به پیروی از قانون که حق نداشتند با سفید پوست ها ازدواج نمایند، با بومی های آن سرزمین ازدواج و تشکیل خانواده دادند که تعدادی از آنها در مناطق مختلف چون سوان هیل، بروکن هیل (منطقه ای در سرحد بین دو ایالت ویکتوریا و نیوساوت ویلز) و شهر کوچک ماری در مربوطات شهر ادلید زندگی دارند. شتربانها که متشکل از بلوچ ها، پشتونها، راجیستانی ها و مردمان سایر مناطق ماحول آنزمان به استرالیا برده شده بودند، زندگی خیلی دشواری را پشت سر گذاشته اند، در کنار زندگی و کار طاقت فرسا در بیابانهای بی آب و سوزان، با انواع مختلف تبعیض نژاد، عقیده، رنگ و منطوقی دست و گریبان بودند. بگونه مثال درجه این تبعیض تا حدی بود که در سال ۱۹۰۳ یکی از صاحبان کمپنی شتربانی بنام [Willconia](#) ویلکانیا تمام شتربانان کمپنی اش را که افغان بودند اخراج و شتربانان اروپایی را که تا آنزمان کاملاً ورزیده شده بودند، بجای شان استخدام نمود. در پهلوی اینهمه، شتربانان افغان با متانت، امانت داری و صداقت کار بس بزرگی را در تاریخ استرالیا انجام داده اند که در صفحات تاریخ بازسازی و عمران آنکشور تا ابد درج می ماند. در بین این شتربانان اشخاص ورزیده ای که طبابت یونانی را انجام می دادند و مانند یک داکتر ورزیده مردم را تداوی می نمود، مردان جنگنده و پرشور و اشخاص نیک و باوقاری که بخاطر احقاق حقوق شان برخاستند و توانستند یک اندازه حقوق شانرا منحصت باشندگان استرالیا بدست بیاورند، عرض اندام نمودند.

فراز و نشیب زندگی این مردان دلاور مملو از قصه های جالبیست که ایجاب مقاله علیحده را می نماید و در آینده خدمت دوستان تقدیم خواهد گردید.

پایان

تصویرها: از موزیم ملی خط آهن استرالیای جنوبی.